

Investigating the semantic evolution of the Qur'anic concepts of nation and ummah

(Receive: 2024/04/13 Accept: 2024/04/29)

Reyhaneh Sadat Saeis Alsadati¹

Abstract

The two Quranic words Mellah and ummah have been interpreted as nation in later dictionaries. But none of them have been included in their original meaning. In the research, according to the characteristics of these two Quranic words at the time of revelation and in the Holy Quran and the coordinates and context of the relevant verses, with a historical approach, he investigated the process of changes created in the words Mellah and ummah, and the difference in the meaning of the two words due to cultural changes. Social and political Iran has been shown. As a result, the word Mellah in the Holy Qur'an is consistent with the meaning of method and way, and the word Ummah is used in the temporal participle of indicative with conditions. However, according to the approach of thinkers and history after the early centuries of Islam and the active concept of taking the word nation along with the original meaning of the word, the two words Mellah and Ummah have become close to each other to some extent. But from the Qajar period onwards and the era of constitutionalism, they have again distanced themselves from each other in meaning, and Ummah was applied to the Muslim community and Mellah was used to refer to the inhabitants of a special geographical land. nation also has a displacement of meaning and it is not appropriate to equate it with these two Quranic words Mellah and Ummah. The issue of sanctity in these two Quranic words and changing its conceptual approach is very important. **Vocabulary:** Ummah, Mellah, nation, social vocabulary of Quran, evolution of concepts.

مطالعات قرآنی و حدیثی
مجله علمی و پژوهشی

دوره اول

شماره دوم

پیاپی: ۲

بایز و زمستان

۱۴۰۱

۱۵۹

1. P.H.D student of Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. r.r.sadati@ut.ac.ir

بررسی تطور معنایی مفاهیم قرآنی ملت و امت

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰)

ریحانه سادات رئیس الساداتی^۱

چکیده

دو واژه قرآنی ملت و امت در کتاب‌های لغت جدید، ذیل واژه nation آمده است، اما هیچ‌یک در معنای اصلی و ریشه‌ای خود قرار نگرفته. در این پژوهش، با توجه به مشخصات این دو واژه قرآنی در زمان نزول وحی، در قرآن کریم و مختصات و سیاق آیات مربوطه، با رویکرد تاریخ‌نگاری^۲، به روند تغییرات ایجادشده در واژه امت و ملت پرداخته شده است و تفاوت معنای دو واژه بر اثر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران نشان داده شده است؛ در نتیجه، واژه ملت در قرآن کریم با معنی روش و راه همخوانی دارد و واژه امت در اشتراک زمانمند شاخصه با شرایطی، به کار رفته است؛ البته ممکن است شاخصه تنها در یک نفر باشد و در قرآن کریم به آن نیز امت اطلاق شده است. اما با توجه به رویکرد اندیشمندان و تاریخ، بعد از قرون اولیه اسلام و گرفتن مفهوم کنشگرانه واژه ملت در کنار معنای اصلی واژه، تا حدی، دو واژه امت و ملت به یکدیگر نزدیک شده است. امه از دوره قاجار به بعد و عصر مشروطیت، در معنا، دوباره از یکدیگر فاصله گرفته و امت بر جامعه مسلمین اطلاق و ملت بر اهالی یک سرزمین جغرافیایی ویژه استفاده شده است. nation نیز از جاگشتگی معنایی داشته و معادل‌سازی آن با این دو واژه قرآنی ملت و امت مناسب نیست. مسئله تقدس در این دو واژه قرآنی و تغییر رویکرد مفهومی آن بسیار اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: امت، تطور مفاهیم، ملت، مفردات اجتماعی قرآن کریم، nation.



مقدمه و بیان مسئله

در طول تاریخ هزار و چهارصدسالهٔ اسلام، به‌ویژه ایران پس-از اسلام، برخی واژگان قرآنی که در فرهنگ اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفته، به دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی و برخورد با دیگر فرهنگ‌ها، معنا و مفهوم خود را از دست داده و در مواردی، تنها می‌توان گفت، پوسته‌ای از واژه باقی مانده است و واژگان معنای اصیل و زمان پیدایش خود را از دست داده‌اند. این مسئله زمانی مهم می‌شود که برداشت از واژه‌ای تاثیرگذار در تحولات و تغییرات اجتماعی، فهم نصوص دینی و تاریخی، فلسفی و... را دچار مشکل کند و با معنای امروزی خود هماهنگی نداشته باشد.

واژهٔ امت و ملت از این دست کلماتی هستند که به دلیل تطور و تغییراتی که در دوران حضور در فرهنگ جامعه داشته‌اند و زمینه‌ساز جریان‌های فکری بوده‌اند، باید مورد توجه واقع شوند. این واژگان در سیر تاریخ اجتماعی، به‌ویژه دوران مدرن، به معانی متفاوت به کار گرفته شده و در اندیشهٔ متفکران نیز با تفاوت معنایی به کار گرفته شده‌اند. در این پژوهش، پس از معرفی روش تاریخ‌نگاری، به بررسی این واژگان در نگاه قرآن کریم و کتب لغت و برخی اندیشمندان اجتماعی اسلام و نگاه معاصر پرداخته و سیری از تحولات مفاهیم ملت و امت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه

موضوع امت و ملت مورد توجه بسیاری از بزرگان و اندیشمندان جهان اسلام بوده است، اما دربارهٔ تطور و واژه‌شناسی این دو مفهوم در سال‌های اخیر، کارهای شایان توجهی شده است؛ از جمله مقالهٔ "ناسیونالیسم" حجة الاسلام، پارسانیا که به مفهوم‌شناسی واژهٔ ناسیونالیسم و تبعات اجتماعی آن پرداخته‌اند. در این مقاله، نویسنده با تأکید بر واژهٔ nation، به مفهوم ملت در قرآن کریم، توجه نموده است. مقالهٔ دکتر موسی نجفی با عنوان "فرآیند سکولاریزاسیون مفهوم ملت در ایران"، به بررسی تاریخی واژهٔ ملت با برخی مستندات پرداخته است. در این مقاله، تأثیر رویکرد جدایی دین از سیاست بر جامعه و مفهوم ملت که ریشه‌ای قرآنی دارد، بررسی شده است.

کتاب ناصف نصار که به بررسی واژهٔ امت در بین اندیشمندان اسلامی پرداخته است، با عنوان "مفهوم الامه بین الدین والتاریخ"، از جمله منابعی است که در این حوزه وجود داد. در این کتاب که در ۲۸ فصل ارائه شده است، واژهٔ ملت را در میان مفسرین با رویکردهای مختلف، مانند تفاسیر روایی، صوفی، اهل رأی و... بررسی کرده است. آنچه نوآوری این پژوهش بوده، رویکرد واژه‌شناسانه و تاریخ‌نگارانه در عین

تناظر به واژه ملت و امت در طول تاریخ، بوده است تا بتواند جایگاه دقیق هر دو واژه را نسبت به یکدیگر مشخص نماید.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، به آن دلیل که تطوّر معنایی واژه‌های مستعمل در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، مدّ نظر بوده و مربوط به محدوده تاریخی حدود ۱۴۰۰ سال پیش بوده است، لازم است تطوّر معنایی واژگان ملت و امت از دوران قدیم تا به حال در یک رویکرد تاریخی، مورد تدقیق قرار گیرد. امروزه، ضرورت بررسی تاریخی در شناخت پدیدارها و آموزه‌ها، امری بدیهی تلقی می‌شود. در بسیاری از طرح‌های پژوهشی، به‌ویژه مطالعات دینی، رهیافت تاریخی در کنار و بلکه در ارتباط وثیق با سایر تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد. نقش مطالعات تاریخی در فهم حادثه یا دیدگاه و شناخت ابعاد بیناپیدایی آن، بی‌شک از پیش، مکشوف و تأثیر شگرف آن در درمان جزم‌گرایی حاصل از بیبی خبری تاریخی، معلوم شده است. (قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

یکی از مفاهیمی که در پژوهش‌های تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفهوم «یتاریخ‌انگاره»^۱ است. نخستین بار، اصطلاح تاریخ‌انگاره را بی «آرتور لاجوی»^۲، مورخ یا آلمانی تبار بیبیا آمریکا، در بیمجموعه سخنرانی‌هایش در هاروارد به کار برده است و الان یکی از انواع مطالعات تاریخی محسوب می‌شود؛ در واقع تاریخ-انگاره، به-مثابه نوعی گرایش مطالعاتی در غرب است که با تاریخ فکر یا تاریخ تفکر متفاوت است (سلیمان-نژاد، ۱۳۹۱: ۳۰). زمانی به یک مطالعه تاریخی می‌پردازیم که زمان «الف» و «ب» وجود داشته باشد و یک انگاره یا اندیشه در حدّ فاصلی زمان، دچار تفاوت موقعیتی شده باشد؛ به تعبیر بهتر، برای مطالعه پدیده-هایی که طی زمان، تحول محسوسی در آن‌ها رخ نمی‌دهد، از مطالعه تاریخی استفاده نمی‌شود. «مرئی‌سازی تاریخی»^۳ نیز اصطلاح دیگری است که مربوط می‌شود به زمانی که پدیده را در دوره قبل و بعد، مقایسه کنیم تا آن پدیده برای ما مرئی شود و بتوانیم ویژگی‌هایی در آن ببینیم که قبل از مرئی‌سازی، توجه ما را به خود جلب نمی‌کرد (رامورز به نقل از پاکتنچی، ۱۳۹۶).

از همین روست که آرلاتو^۴ معتقد است، در طول تاریخ، دگرگونی معنایی بیش از

1. Imaginary history.
2. Arthur O.Lovejoy.
3. Historical overview.
4. Arlotro Anthony.



هر - یک از جنبه های دگرگونی زبانی، با زندگی و فرهنگ یک جامعه زبانی پیوند دارد. (آراتو، ۱۳۸۴: ۱۸۹)

روند بحث در مطالعات تاریخ‌انگاره با محوریت معنا است و بر روند تغییر معنا در گذر زمان متمرکز می‌شود؛ در نتیجه، شکل‌گیری و تطور انگاره‌ها ارتباط مستقیمی با گفتمان‌های علمی رایج در عصر مورد بررسی دارد. (رامورز، ۱۳۹۶) در این پژوهش بنا بر روش تاریخ‌نگاری و مرئی‌سازی با استفاده از مفاهیم قرآن کریم و معناشناسی واژگان امت و ملت و تفاوت آن‌ها در زمان نزول وحی و زمان معاصر، به بررسی آنچه بر سر این دو واژه در طول تاریخ، آمده است می‌پردازیم.

امت در مباحث قرآنی

واژه امت ۶۵ بار در قرآن کریم، به صرف مفرد یا به صورت «امتکم»، «امم»، «امما»، به کار رفته است و «امم» جمع این واژه است. راغب در معنی امت، می‌نویسد: «هر جماعتی است که یک چیز، مثل دین یا زبان یا مکان، آن‌ها را جمع کند.» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲)

امت بر وزن فُعْلَة، از ریشه «أم م» که به معنای قصد ویژه است، اشتقاق یافته و به گروهی گفته می‌شود که مورد قصد و توجه ویژه دیگران واقع شده (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳۵/۸) (و به معنی جماعتی است که وجه مشترک دارند. «ام» در لغت، به معنی قصد است. گویند: أُمَّهُ: أَى قَصْدًا. (طباطبایی، ۱۳۳۶: ۱۳۹/۵)

امت در یک ویژگی، چون دین، زمان، مکان، نوع یا صنف، مشترک و همسان باشند. این ویژگی می‌تواند اختیاری یا غیراختیاری باشد؛ بر این اساس، به پیروان یک دین و آیین، بر اثر همسانی در دین، امت می‌گویند و به مردمی که همزمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای از زمین زندگی می‌کنند یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسانند، امت گفته می‌شود (راغب، ۱۳۷۴: ۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۸) امت، یکی از مهم‌ترین واژه‌هایی است که در ادبیات اجتماعی قرآن کریم، مهم تلقی می‌شود. توشیهیکو^۱ پس از بررسی معناشناختی واژه امت، می‌نویسد: «کلمه امت کلیدی است برای هر آنچه که به فرهنگ اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. تولید این واژه در تاریخ اسلام، اهمیت زیادی دارد. تا آن زمان در عربستان، اصل سازمان اجتماعی و سیاسی، اساساً، ماهیت قبیله‌ای داشت و خویشاوندی خونی قاطع‌ترین عنصر در تصور و دریافت عرب جاهلی نسبت به وحدت اجتماعی بود. در برابر این تصور پرسابقه مورد احترام، قرآن



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

1. Toshihiko Izutsu.

کریم اندیشه تازه‌ای را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد و گسترش داد که دیگر بر روابط خویشی و خونی متکی نبود، بلکه از اعتقاد مشترک دینی بر می‌خواست. (ایزنسو، ۱۳۶۱: ۹۶)

در معنای امت، از منظر قرآن کریم، باید دقت داشت که این واژه در سیاق آیات، همراه با دیگر واژه‌ها، همچون دین، روش، قصد و هدف، مدت و زمان، در هر کدام از آیات، به کار رفته است. (مصلاهی پور، ۱۳۹۶) رامورز در بررسی تفاسیر قرآن، خود به این نتیجه رسیده است که امت به انواع گروه‌ها، اعم از انسانی و غیرانسانی اطلاق می‌شود. و مهم‌ترین قید امت همان معنا و قصد مشترک است؛ البته از منظر قرآن کریم، هرامت انسانی گواه و شهید دارد. همچنین هرامت انسانی رسول دارد و همچنین هرامتی مناسک مربوط به خود را دارد؛ برای مثال، جعل قبله در جایگاه یک منسک، میزان تبعیت از رسول در اجتماع را نشان می‌دهد. هرامتی کتاب دارد (کتاب هرامت، شریعت و دستورات یا نظام هنجاری آن امت است). از عوامل هویتی و وحدت‌بخش امت، دین واحد، زمان مشترک و مکان مشترک است. هرامت متناسب با معنایی که بر ذهنیت اجتماع حاکم است، رفتار می‌کند. و براساس معانی وحدت‌بخش، به تقابل و تفاوت میان خود و دیگری می‌پردازد (رامورز، ۱۳۹۶).

شهید سید محمد باقر صدر در مباحث تفسیری خود معتقد است، به تعبیر قرآن، برای جامعه زندگی، جنبش و مرگی است؛ همان‌گونه که فرد نیز زندگی و جنبش و مرگی دارد و ماورای اشخاص و قوانین حاکم بر آنها نوامیس و سنن نیز بر جوامع حکومت می‌کند. به زعم وی، اگر از دیدگاه اجتماعی به قضیه بنگریم، می‌بینیم که جامعه نیز یک واحد بزرگ را تشکیل می‌دهد که در سختی و ناراحتی و انحراف و ظلم و خوشی و ناخوشی، همه افراد آن روی همدیگر تأثیر می‌گذارند و یک سرنوشت واحد به وجود می‌آورند؛ بنابراین، مراد از اجل سر رسید است و پایان کار یک جماعت بزرگ با امت است. (صدر، ۱۳۵۹: ۲۴) در ۴ آیه از ۶۵ آیه‌ای که واژه امت در آن آمده است، مسئله اجل داشتن امت، مبنایی است برای نظریه کارنامه مجزا داشتن برای هرامت نسبت به عملکرد اجتماعی خویش که در آیه ۹ سوره تغابن^۱ به آن اشاره شده است؛ در مباحث تفسیری دیگر اندیشمندان، به ویژه علامه طباطبایی در المیزان نیز مشاهده می‌شود.

شهید صدر در رابطه با کارنامه امت، معتقد است که دفتر اعمال امت سه بعدی است: بعدی از ناحیه انجام‌دهنده و بعدی به لحاظ هدف و غایت و بعدی از

۱. يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْحُجْمِ إِنَّكَ يَوْمَ التَّغَابُنِ...



نظر زمینه کار و موجی که پدید می‌آورد. این عمل سه بعدی موضوع علم تاریخ و کارکرد اجتماعی آن است (صدر، ۱۳۵۹: ۴۷). شهید صدر معتقد است، امت و شبه امت داریم و تشخیص امت بودن به شبه امت نبودن بستگی دارد. از خصوصیات شبه امت‌ها، نداشتن وحدت کلمه و آرمان مشترک است. قلب‌های آن‌ها پراکنده و عقل‌های آن‌ها منجمد شده است. (همان، ۷۴). (صدر، ۱۳۵۹، ص. ۷۴)

در یک جمع بندی، باید متذکر شد که واژه امت در قرآن کریم، طبق دریافت‌ها از مباحث قرآنی، از یک خصوصیت مشترک نشئت می‌گیرد، اما ممکن است این خصوصیت را یک فرد از آن امت داشته باشد؛ مانند ابراهیم در آیه ۱۶ سوره نحل^۱ که به امت معرفی شده است. واژه امت صرفاً به جمع مسلمین یا دین دیگری اختصاص ندارد؛ همچنین باتوجه به اجل داشتن امت، زمان مند بودن خصوصیت در جمع یا حتی یک فرد نیز اهمیت دارد.

مفهوم ملت در مباحث قرآنی

واژه ملت در قرآن کریم، ۱۷ بار در ۱۵ آیه آمده است.^۲ این واژه در معانی متفاوتی در قرآن کریم، به کار رفته است. مفهوم ملت در لغت عرب، از جمله به معنای عام «شریعت و دین» آمده است. ابن منظور در لسان العرب، علاوه بر این، معنی ملیله و ملال را (به معنی حرارت داخل خاکستر) نیز آورده است.

طریحی در «مجمع البحرین» می‌نویسد: «ملت در اصل، نام شریعتی است که خداوند به زبان انبیاء برای بشر، وضع نموده تا به جوار قرب خداوند واصل شوند.» استعمال «ملت» در مجموع احکام و دستورات شرعی شایع است، ولی در یک به یک آن روا نیست. به خداوند نیز نمی‌توان انتساب داد؛ یعنی «ملة الله» گفته نمی‌شود؛ چنان‌که به افراد امت نمی‌توان نسبت داد. این معنی اصلی «ملت» است، ولی دایره استعمال، بعدها، وسعت یافته و در امم باطله نیز استعمال شده است. (اشکوری، ۱۳۸۶: ۶) اما معمولاً وقتی واژه ملل گفته می‌شود، از واژه نحل نیز نام برده می‌شود؛ نحل، جمع نحله، به معنی ادعای یا ادعای باطل است. اصل این لغت از ریشه «نحل بحسبه فهو ناحل» (به واسطه بیماری، لاغر گردید) اخذ شده است؛ بنابراین «نحله» نیز ادعای ضعیف است. (همان)



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

۱. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ...

۲. کلمه ملت در قرآن کریم در آیات سوره‌های بقره/۱۲۰، ۱۳۰، ۱۳۵؛ آل عمران/۹۵؛ نساء/۱۲۵؛ انعام/۱۶۱؛ اعراف/ ۸۸ و ۸۹؛ یوسف/۳۷؛ ابراهیم/۱۳؛ نحل/۱۲۳؛ کهف/۲۰؛ حج/ ۸۷ ...

در کلمهٔ ملت، اولین معنایی که عالمان لغت برای فعل «مَلَّ» ذکر کرده‌اند، «آدخل» است که اطلاق آن بر دین و شریعت به مناسبت ورود معتقدات در باطن شخص و اثر آن در قلب پیروان دین است. «مَلَّ» به معنی سَمَم (دل آزرده شد) و ملال به معنی دل آزرده شدن است و از اینجا است که «ملالت» بر باطن و دل وارد می‌شود. همچنین اگر املا و املاء به معنی نوشتن است، بدین مناسبت است که مطلب در کتاب و دفتر، وارد شده و اثر می‌گذارد. (اشکوری، ۱۳۸۶: ۷)

ملت در اصطلاح قرآن کریم، به معنی راه و روش و طریقه‌ای است که از طرف رهبر الهی بر مردم عرضه شده است. مثلاً می‌فرماید: «مِلَّةً أَيْكُمْ إِبْرَاهِيمَ...»؛ یعنی راه و روش پدر شما، ابراهیم... راغب اصفهانی در کتاب مفردات القرآن کریم می‌گوید: «ملت و املا که همان املاء است، از یک ریشه است: فَلْيَمْلِلْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ...»؛ یعنی ولی او از روی عدالت املاء کند. راغب می‌گوید: «علت اینکه یک طریقهٔ الهی ملت نامیده شده است، این است که از طرف خداوند املاء و دیکته شده است.» (ارجاع)

استاد مرتضی مطهری نیز در جلد اول کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، ضمن بحث واژه‌شناسی، در مفهوم ملت، به چند نکتهٔ مهم اشاره می‌نماید. ایشان در معنای واژهٔ ملت، معتقد است: «ملت کلمه‌ای عربی و به معنی راه و روش است. در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنی آمده است. این کلمه هفده بار در ۱۵ آیه در قرآن کریم آمده است، ولی مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد با مفهومی که امروز مصطلح فارسی‌زبانان است و از آن کلمهٔ «ملیت» را مشتق کرده‌اند متفاوت است.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶) بنابراین از دیدگاه قرآن کریم، یک مجموعهٔ فکری و علمی و روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، «مِلَّت» نامیده می‌شود و با دین هم معنی است و یک چیز به اعتباری «دین» و به اعتبار دیگری «مِلَّت» نامیده می‌شود؛ یعنی به آن اعتبار که از طرف خدا به پیامبری املا می‌شود تا به مردم ابلاغ نماید و مردم را براساس آن رهبری کند. علمای فقه اللغة می‌گویند: «یک تفاوت میان کلمهٔ «دین» و کلمهٔ «مِلَّت»، این است که کلمهٔ دین را به خدا می‌توان اضافه کرد و مثلاً گفت شود «دین...»؛ یعنی دین خدا و همچنین به فرد پیرو نیز اضافه می‌شود؛ مثلاً گفته می‌شود: «دین زید، دین عمرو»؛ ولی کلمهٔ ملت نه به خدا اضافه می‌شود و نه به فرد پیرو، بلکه به رهبری که از طرف خدا مأمور رهبری مردم، بر طبق طریقهٔ خاصی، است اضافه می‌شود؛ مثلاً گفته می‌شود، ملت ابراهیم یا ملت عیسی یا ملت محمد. مثل این است که در مفهوم این کلمه، «رهبری» گنجانده شده است. از این نظر،



می‌توان گفت، کلمهٔ ملت نزدیک به کلمهٔ «مکتب» در اصطلاح جدید است که آن نیز معمولاً به رهبر یک روش و مسلک اضافه می‌شود. اگر این جهت را که در کلمهٔ ملت، مانند کلمهٔ مکتب، املاء و دیکته کردن گنجانده شده است نیز مورد توجه قرار دهیم، شباهت و نزدیکی این دو کلمه بیشتر روشن می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۷)

بررسی معناسناختی معاصر واژگان «امت» و «ملت»

واژگان امت و ملت، هر دو در زمان معاصر، معادل nation قرار می‌گیرند. در تعریف این واژه آمده است: «یک جمعیت بزرگ از مردم که توسط تبار مشترک، تاریخ، فرهنگ یا زبان متحد شده‌اند و در یک کشور یا قلمرو خاص زندگی می‌کنند.»^۱ ناسیو در زبان فرانسه به معنای «قبیلهٔ عقب مانده» و به معنای «زادن» بوده است و این معنا مشتمل بر حاکمیت سیاسی و یا حقی حاکمیت نیست. (بابایی، ۱۳۷۸: ۷۴۸ به نقل از پارسانیا، ۱۳۷۷) در فارسی یا عربی لغت‌های مشابه فراوانی که حکایت از پیوند و نسبت خونی و نژادی افراد نموده و بر گروه‌های انسانی به لحاظ این پیوند، دلالت نماید، وجود دارد؛ مانند قوم که اقامه در مکان دارد و شامل گروهی از مردم می‌شود که به جدی واحد نسب می‌برند یا قبیله، عشیره، شعب؛ قبیله، فرزندان پدر واحد هستند و عشیره به معنای قبیله و فرزندان پدری نزدیک-تر هستند و شعب نیز معنای نزدیک به قبیله داشته و جمع چند قبیله را شامل می‌شود (پارسانیا، ۱۳۷۷: ۷۱/۲۵)، اما با توجه به معنای امروزی nation، مفهوم این واژه در زبان مقصد، یعنی انگلیسی نیز دستخوش تغییرات شده است و امروزه، چنانچه در بالا آورده شد، در کتب لغت زبان انگلیسی نیز به معنای قوم آورده نمی‌شود.^۲ مفهوم نوین این واژه به مراتب از معنای قبلی خود که مترادف با قوم بود، نسبت به ملت و امت دورتر است. مفهوم جدید واژهٔ nation را از پایان قرن هجدهم پیدا کرد که ناظر بر چهرهٔ طغیانگر و متجاوز قومیت و نژادپرستی است که با انکار دین به صورت رسمی، قصد جایگزینی نسبت به دین و ملت را دارد. (پارسانیا، ۱۳۷۷) این مسئله خارج از تصور است که معنای جدید nation مترادف با واژهٔ ملت و امت قرار می‌گیرد. بنابر باور علی بابایی، می‌توان سه برداشت از واژهٔ ملت که مترادف با nation بوده را متمایز کرد. اول آنکه ملت، مجموعهٔ افرادی است که تحت حکومت یک قانون به سر می‌برند، دوم آنکه نویسندگانی

1. a large aggregate of people united by common descent, history, culture, or language, inhabiting a particular country or territory.

۲. برای اطلاع بیشتر در این موضوع به رجوع کنید به: حمید پارسانیا. "ناسیونالیسم"، معرفت، شمارهٔ ۲۵، ۱۳۷۷.

مانند نوفالیس و فیخته، عوامل فرهنگی و زبان را عامل تشکیل ملت می‌دانند؛ در اینجا ملت با قوم خلط شده و ممکن است در درون دولتی واحد، چندین ملت وجود داشته باشد. برداشت سوم برداشت جامع‌تری است که از حد دو نظریه سیاسی و فرهنگی بالاتر رفته است و با شرط عمده اراده باهم زیستن در صورت وجود تاریخ و خاطرات عمومی و اراده مشترک مردم، به رغم تفاوت‌های فرهنگی و قومی و زبانی، ملت واحدی را تشکیل می‌دهند. (علی بابایی، ۱۳۹۱: ۶۳۱)^۱

شهید مطهری نیز در مباحث مربوط به ملت، به تغییر و تطوّر واطه ملت توجه نموده است. وی معتقد است، اعراب امروز، در مواردی که ما واژه ملت را به کار می‌بریم، کلمه «قوم» یا کلمه «شعب» را به کار می‌برند؛ مثلاً می‌گویند: «لشعب الایرانی» یا «الشعب المصری» و... ما که فعلاً در این بحث، کلمه ملت و ملیت را به کار می‌بریم، همان مفهوم جدید و مصطلح امروز فارسی را در نظر گرفته‌ایم؛ خواه غلط و خواه درست. در به کار بردن الفاظی چون ملت ایران، کشور ایران، مردم ایران، و... باید دقت خاصی داشت و لاقلاً از به کار بردن این الفاظ به جای یکدیگر اجتناب ورزید. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۸)

مفاهیم ملت و امت در طول ۱۴۰۰ سال

واژه ملت و امت در طول دوره حضور خود در فرهنگ ملل اسلامی، به ویژه ایران، گاهی در معانی متفاوتی استفاده می‌شدند. با بررسی آثار اندیشمندان نیز به این نتیجه می‌رسیم که حتی اندیشمندی مانند فارابی نیز در معانی مختلفی واژه ملت را به کار برده است. آقای نصار، اندیشمند عرب در کتاب «مفهوم الامة بین الدین و التاريخ» مفهوم امت را از منظر فارابی، ابن خلدون، عبدالرزاق، مورودی و... بررسی نموده و نگاه هر کدام را به این واژه، بیان نموده است و آنچه به دست می‌آید، این است که اندیشمندان جهان اسلام این واژه را بنا بر نظریات خود، در معانی متفاوتی به کار می‌بردند. فارابی نیز با توجه به آثار وی در کتاب «السیاسة» و «الملة»، مفهوم ملت را با معانی متفاوتی مدّ نظر قرار داده است. همچنین در نوشته‌هایش، ملت را به سه معنای دین، مجموع مسایل تعلیمی و مردم آورده و بر اساس این برداشت، نظریه خود را سازمان داده است. (نجفی، ۱۳۸۴)

نجفی معتقد است که مفهوم ملت در طول تاریخ را می‌توان در پیوستاری با توجه به متون تاریخی، به صورت زیر نشان داد:

۱. علی بابایی در اینجا از واژه ملت استفاده کرده که به دلیل لزوم ایجاد تفاوت برای فهم بیشتر مطلب، آنچه مقصود اوست آورده شد.



اول: «ملت» در مفهوم نظری آن در شکل یک «امت».
دوم: مرحله تشکیل «ملت» در چارچوب مدنیت دینی در چند قرن اول تاریخ اسلام.

سوم: مفهوم «ملت» بعد از فروپاشی خلافت عباسی به سال ۶۵۶.
چهارم: مفهوم «ملت» در چارچوب فرهنگ اسلامی شیعی در دوران صفویه که به نحوی نوعی از مفهوم صوفیانه به سمت و سوی چارچوب‌های حقوقی و فقهی در تبدیل و تکامل بوده است. در این دوران، ملت یا کشور شیعی صفوی با نوعی مفهوم مقدس توأم و همراه شده است. البته این قداست اولیه در دوران پس از صفویه در نهادها و شئون و سطوح مختلف تقسیم شده است.
پنجم: در دوران قیام تحریم تنباکو و نهضت مشروطیت که نوعی تبیین تازه و دربرگیرنده عناصر قبلی ملت با عناصر جدید است، صورت خاصی از مفهوم ملت به منصفه ظهور می‌رسد و این تبیین جدید تا روزگار ما تقریباً با تحول عمده‌ای مواجه نشده است. (نجفی، ۱۳۸۱: ۱۳۸)

باید توجه داشت که در اینجا، تفاوت واژه ملت و امت در قرون اولیه، در نظر گرفته نشده است؛ در واقع با توجه به کاربرد قرآنی هر دو واژه، تفاوت زیادی بین مفهوم این دو در زمان نزول وحی و همچنین در قرآن کریم وجود دارد. در دوره ابتدایی، ملت همان معنای روش و شریعت و دین را داشته و امت واژه‌ای مبتنی بر جمعی از افراد که می‌توانسته بر غیرانسان نیز اطلاق شود، در برداشته است؛ یعنی این دو واژه طی زمان به یکدیگر نزدیک شده‌اند؛ چنانکه در قرن چهارم، فارابی نیز در کتاب «الحروف» خود، به استعمال واژه ملت در مواردی با عنوان مردم نیز اشاره نموده است. اما زمانی که وی کتاب «الملة» خود را تدوین می‌کند، از ملت آنچه مدنظر فارابی است، «مجموعه عقاید و فعالیت‌های مشترکی است که در قالب مقررات و قوانین مخصوصی ریخته شده و انبوهی از مردم برای وصول به هدف معینی، ملتزم به آن قواعد گردیده‌اند.» (فارابی، ۴۳) یعنی تا حدود قرن چهارم هنوز تباین میان دو مفهوم ملت و امت پایدار بوده است. پس به نظر می‌رسد، دو مرحله اول این تقسیم بندی جای دفاع ندارد.

باید توجه داشت که با سابقه تاریخی و پیشینه فکری و فلسفی در عصر صفویه، مفهوم ملت از بار تقدس برخوردار بوده است. در تحولات دوران قاجاریه، ضرورت رشد این مفهوم به دلیل فاصله و شکاف بین دولت و ملت، بیشتر شده و مفهوم مقدس، هرچه بیشتر، از دولت قاجاریه فاصله گرفته و این مفهوم برای شریعت و علمای دینی استعمال می‌شد. در این هنگام که شکاف بین دولت و ملت بیشتر

شده و از طرفی، دین و دولت نیز به نوعی بی‌اعتمادی و سپس تقابل می‌رسند، تفاوتی بسیار مهم در استفاده از این واژه در دو جریان سیاسی اجتماعی صورت می‌گیرد؛ به طوری که در یک طرف طیف، شاهد ظهور لفظ ارتقایافته کلمه ملت در مکتوبات تحریم تنباکو هستیم و از طرف دیگر، در برداشتی غرب‌مآبانه از این مفهوم، تفکر اجتماعی عصر مشروطیت را شاهد هستیم. (نجفی، ۱۳۸۱) البته باید توجه داشت که با بیشتر شدن نفوذ جریان‌ات مارکسیستی، واژه «ملت» با واژه «رعیت» در یک ردیف قرار گرفت.

در جریان اسلام‌گرایی این دوران، آیت‌الله میرزای شیرازی در مکتوبات خود، از واژه ملت، نه تنها در مفهوم شریعت و دین استفاده نموده است، بلکه در مورد مردم پیروان شریعت نیز به کار برده‌اند و البته به این نیز اکتفا ننموده (نجفی، ۱۳۸۱)، بلکه واژه ملت را در مورد مردم پیرو شریعت در محدوده جغرافیایی کشوری به نام ایران نیز به کار برده‌اند. در این برداشت آخر از واژه ملت، به مفهوم رایج امروزی از واژه ملت در ترادف با nation نیز نزدیک شده‌اند؛ اما در یک نگاه ژرف، می‌توان برداشت مفهومی آخر را نزدیک با واژه امت دانست؛ با این تفاوت که خاستگاه جغرافیایی برای آن لحاظ نموده است.

شهید سید محمد باقر صدر نیز در مباحث تفسیری خود، مفهوم ملت را موردتدقیق قرار داده است. او معتقد است از مجموع چند خانواده، قبیله تشکیل می‌شود و از چند قبیله، عشیره تشکیل می‌شود و از مجموعه عشیره، ملت به وجود می‌آید. (صدر، ۱۳۵۹: ۷۸) این نگاه معاصر شاهدهی است بر نوع نگاه به مفهوم ملت که‌اندیشمندان آن را تعریف کرده‌اند.

جریان دیگر اجتماعی که تفسیر متفاوتی از واژه ملت ارائه می‌دهد، جریان غرب‌گرایی روشنفکر است که می‌توان نماد این جریان را میرزا ملکم خان معرفی نمود. این جریان بدون توجه به خاستگاه نظری و دینی و تطورات این واژه، ملت را با برداشتی سکولار به کار برد که این دوگانگی برداشت، در مشروطه خود را به وضوح نشان داد. جریان غرب‌گرا، مردم، بدون پیروی از شریعت را ملاک واژه ملت قرار داد که مدعی بود با جدیت باید از آنها دفاع شود. در مقابل، تفکر اسلام‌گرا، از ملت مفهومی قرین با شریعت متصور بودند و رشته سیر تطور این واژه را گم نکرده و چنانکه در کتاب «تنبيه الامة و تنزیه الملة» آیت‌الله نایینی نیز آمده است، تصور ملت بدون شریعت امکان ندارد.

دوگانگی پیش‌آمده از دو دیدگاه اسلام‌گرا و غرب‌گرا در برداشت از مفاهیم اجتماعی و موضع‌گیری‌ها، خود را طوری نشان داد که با گذشت زمان، برداشت



بدون پشتوانه غرب‌گرا، تلقی عام راجع به مفاهیم، به‌ویژه واژه ملت را دگرگون نمود؛ زیرا گسترش ترجمه‌ها که در تفکر غرب‌گرا انجام می‌شد، سبب شد تا در زمان معاصر، ملت را با همان دیدگاه غرب‌گرای عصر مشروطیت بشناسیم و آن را به معنای nation و people معنا کنیم. مواردی که در متون دوره مشروطیت و تا زمان معاصر راجع به واژه ملت وجود دارد، خالی از فهم مبانی نظری و تاریخی واژه ملت بوده و برای این مفهوم در ممالک اسلامی و غیراسلامی تفاوتی نمی‌دانند. در مورد این مفهوم به ممیزی سلوک شریعت‌محور توجه نمی‌شود و عموماً این واژه در مقابل دولت و باعنوان وجه سیاسی استفاده می‌شود.

شهید مطهری نیز با توجه به این تغییرات، معتقد است در اصطلاح امروز فارسی کلمه ملت، به‌کلی، مفهوم مغایری با مفهوم اصلی خود پیدا کرده است. استاد مطهری استعمال و تطبیق ناقص و غیردقیق این مفهوم را از زمان مشروطیت عنوان نموده و آن را از عوارض شیوع فرهنگی-سیاسی مغرب‌زمین دانسته است. از منظر ایشان، ملت اصطلاح فارسی یک اصطلاح مستحدث و جدید است و در واقع، یک اشتباه است. در صد سال و دویست سال و هزار سال پیش، هرگز این کلمه در زبان فارسی به این معنی غلط استعمال نمی‌شد؛ گمان می‌کنم این اصطلاح جدید از زمان مشروطیت به بعد، پیدا شده است و ظاهراً ریشه اشتباه این بوده که این کلمه پیروان ملت محمد(ص)، پیروان ملت عیسی و همچنین بعدها واژه پیروان حذف شده و گفته‌اند ملت محمد، ملت عیسی. کم‌کم کار به آنجا کشیده که گفته‌اند ملت ایران، ملت ترک، ملت عرب، ملت انگلیس. به هر حال، یک اصطلاح مستحدث است. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۸)

نتیجه‌گیری

آنچه از این پژوهش می‌توان دریافت، این است که با رویکرد روش تاریخ‌نگاری، مفهوم ملت و امت در زمان معاصر در معنای دقیق قرآنی خود به کار گرفته نمی‌شوند. واژه امت، از نگاه قرآن کریم، از یک خصوصیت مشترک نشئت می‌گیرد، اما ممکن است این خصوصیت را یک فرد داشته باشد؛ مانند ابراهیم در آیه ۱۶ سوره نحل^۱ که به امت معرفی شده است. واژه امت، صرفاً به جمع مسلمین یا دین دیگری اختصاص ندارد و همچنین با توجه به اجل داشتن امت، زمان مند بودن خصوصیت در جمع یا حتی یک فرد نیز اهمیت دارد؛ بنابراین، واژه امت بسیار کلی‌تر از معنای اصطلاحی آن که معادل nation قرار



دوره اول
شماره دوم
پیاپی: ۲
پاییز و زمستان
۱۴۰۱



۱. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ...

می‌گیرد، است؛ بااین حال، تفاوت رویکرد معاصر اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در معرفی امت، با عنوان جماعت مسلمین نیز با nation در زمان حاضر، متفاوت است؛ زیرا مفهوم «ناسیون» که خود دچار ازجاگشتگی مفهومی شده است، نه در گذشته و نه در مفهوم زمان حال، معنای مناسبی برای واژه امت نیست. از طرف دیگر، واژه ملت بر اثر تطورات تاریخی و فراز و فرودهای اجتماعی و سیاسی از معنای خویش در قرآن کریم و لغت عرب دوران صدر اسلام و قرون اولیه خارج شده است و معنای اصلی آن که راه و روش بود، در قالب کنشگران و فاعلان راه و روش مستعمل شده و سپس از وجه مقدس خود در دوره صفویه به معادل شدن با «رعیت» در دوره قاجاریه رسیده و در دوره مشروطه و قیام تنباکو یک واژه با دو رویکرد سکولار و اسلام‌گرا روبه‌رو بوده است که گذر زمان تفوق نگاه غرب‌گرا بر مفهوم ملت را نشان می‌دهد. در مورد واژه ملت نیز باید توجه داشت که اصطلاح nation برای معادل‌سازی انگلیسی بسیار متفاوت از معنای اولیه آن که به روش و آیین اطلاق می‌شد، بوده و این در حالی است که خود واژه nation نیز از معنای اولیه خود جدا شده است.

در نسبت میان مفهوم ملت و امت نیز باید اشاره کرد که واژه ملت از اوایل قرن چهارم هجری در معنا به واژه امت نزدیک شده است. این موضوع در آثار فارابی مشهود بوده، ولی با این حال، تباین آنها تا زمان معاصر همچنان دیده می‌شود و این نوعی سهل‌انگاری است که هر دو را در ترادف با هم قرار دهیم. تقدس زمان صفویه جای خود را به جدایی نهاد دین و سیاست در قاجاریه داد و این سبب شکاف در برداشت از مفهوم ملت شد. در حال حاضر نیز با این که مفهوم ملت به نفع جریان غرب‌گرا معنا بخشی شد، مفهوم امت همچنان تا اندازه‌ای در هاله تقدس، خود را حفظ نموده و برخلاف ملت، سرزمین ندارد، بلکه وسیع‌تر از ملت بوده و وجهه‌های فرهنگی خود را حفظ نموده است. با این حال، تخریب این واژه و معنا بخشی متفاوت با رویکرد سکولار، سرنوشتی شبیه مفهوم ملت را برای واژه امت در معادل‌سازی با nation دارد و امت را بسیار ضعیف و از معنا جدا شده کرده است.

دو واژه ملت و امت با تفاوت معنایی بسیاری در قرآن کریم به کار برده شده‌اند؛ اما با توجه به آرای اندیشمندان و تاریخ بعد از قرون اولیه اسلام و مفهوم کنش‌گرانه واژه ملت در کنار معنای اصلی واژه، تا حدی، دو واژه به یکدیگر نزدیک شده بودند؛ اما از دوره قاجار به بعد و عصر مشروطیت، دوباره به دلیل تفوق جریان سکولار در معنا سازی واژه ملت، از لحاظ مختصات مفهومی از یکدیگر فاصله



گرفته و ملت با عنوان واژه‌ای بی‌طرف و بدون بار ارزشی و کاملاً سکولار و سیاسی، معنا شد.

با اینکه در کتب لغت معاصر، واژه ملت و امت مترادف یکدیگر قرار گرفته و به nation ترجمه می‌شود، اما نه تنها در معنای اصیل و گذشته خود با یکدیگر مترادف نبوده‌اند، بلکه در حال حاضر نیز در معنای زمان معاصر، با یکدیگر تفاوت داشته و هر دو با کلمه nation متفاوت‌اند. ملت که در عصر مشروطه از نگاه طیف غرب‌گرا، واژه‌ای سیاسی در مقابل دولت، تلقی می‌شد، حال، جنبه‌های فرهنگی خود را نیز تا حدی بازیابی نموده و در معنای سوم (مفهوم «ملت» بعد از فروپاشی خلافت عباسی)، از nation در فرهنگ عامه قرار می‌گیرد. اما آنچه واضح است، این است که اگر قرار باشد ملت به ریشه معنایی اصیل خویش مرتبط شود، باید واژه‌ای با رویکرد شریعت‌محور باشد؛ یعنی ملت بار ارزشی دارد و نمی‌تواند خنثی از بار ارزشی خود بوده و سکولار معنا شود. این در حالی است که واژه امت نیز به هیچ عنوان، حتی با برداشت‌های معاصر، امکان داشتن معنای سکولار را ندارد و nation واژه مناسبی برای ترجمه واژه امت با بار سیاسی و فراجغرافیایی و هدف‌دار و شریعت‌محور و رهبر‌محور نیست.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. راموز، ادريس و احمد علی قانع (۱۳۹۶)، "روش پیجویی مفاهیم مدرن در متون دینی (رابطه مفهوم امت در قرآن کریم و مفهوم فرهنگ)"، دین و ارتباطات، شماره ۵۱.
 ۲. احمدی، ظهیر (۱۳۸۸). "مفهوم‌شناسی امت در قرآن کریم و اجتماع"، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲.
 ۳. ایزتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱). «انسان در قرآن کریم»، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات سهامی.
 ۴. آراتو، آنتونی (۱۳۸۴). «درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی»، ترجمه یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۵. پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). «درس گفتارهای نظریه فرهنگ». تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). «المفردات فی غریب القرآن کریم». بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
 ۷. رضایی، فاطمه و مسعود مرادی (۱۳۹۵)، تحول سنجی مفهوم ملت در دوره قاجار، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۹.
 ۸. صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۹). «انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن». تهران: بنیاد قرآن.
 ۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۹). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: اسماعیلیان.
 ۱۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). «مجمع البحرین». تهران: کتابفروشی مرتضوی.
 ۱۱. عبدالباقی، محد فؤاد (۱۳۶۹). «المعجم والمفهرس لألفاظ القرآن الکریم». تهران: اسماعیلیان.
 ۱۲. ----- (۱۳۸۴). «المعجم والمفهرس لألفاظ القرآن الکریم»، چاپ ششم. قم: اسلامی.
 ۱۳. علی بابایی، غلامرضا (۱۳۹۱). «فرهنگ سیاسی آرش». تهران: آشیان.
 ۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). «کتاب العین». قم: هجرت.
 ۱۵. قراملکی، احمد (۱۳۸۵). «اصول و فنون پژوهش در گستره دین». قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
 ۱۶. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). «فرهنگ فرق اسلامی». مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۱۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم». بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۸. مصلاهی پور، عباس و ایوب پروینی (۱۳۹۶). "رسی تطبیقی مفهوم امت با تکیه بر آرای مفسران"، مطالعات تفسیری، شماره ۲۹.
 ۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). «خدمات متقابل اسلام و ایران». تهران: صدرا.
 ۲۰. نجفی، موسی (۱۳۸۱). «فرآیند سکولاریزاسیون مفهوم ملت در ایران»، کتاب نقد، شماره ۲۳.
 ۲۱. ----- (۱۳۹۲). «بنیاد فلسفه سیاسی در ایران». تهران: مؤسسه تاریخ معاصر ایران.
 ۲۲. نصار، ناصیف (۱۹۹۲). «مفهوم‌الامة بین الدین و التاریخ: دراسة فی مدلول الامة فی التراث العربی الاسلامی». بیروت: دار امواج للطباعة و النشر و التوزیع: مکتبه الفکر الاجتماعی.
 ۲۳. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۷). «فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی». تهران: نشر نی.

References

24. Holy Quran, translated by Nasser Makarem Shirazi. Qom: Islamic History and Studies Office.
25. Ramoz, Idris and Ahmad Ali Ghane (2016), "The method of finding modern concepts in religious texts (the relationship between the concept of nation in the Holy Quran and the concept of culture)", Religion and Communication, No. 51.
26. Ahmadi, Zohair (1388). "The concept of Ummah in the Holy Qur'an and community", Research Journal of Sciences and Education of the Holy Qur'an, No. 2.
27. Izetsu, Toshihiko (1361). "Man in the Holy Quran", translated by Ahmad Aram. Tehran: Sohami publishing house.
28. Arlato, Anthony (1384). "An Introduction to Historical Linguistics", translated by Yahya Madrasi. Tehran: Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
29. Paktachi, Ahmad (1390). "Speech lessons of culture theory". Tehran: Imam Sa-degh University.
30. Ragheb Isfahani, Hossein bin Muhammad (1412). Al-Mufardat Fi Gharib Al-Qur'an. Beirut: Dar al-Alam al-Dar al-Shamiya.
31. Rezaei, Fatemeh and Masoud Moradi (2015), Analysis of the Evolution of the Concept of Nation in the Qajar Period, Historical Researches of Iran and Islam, No. 19.
32. Sadr, Seyyed Mohammad Baqir (1359). "Responsible man and history maker from the perspective of the Qur'an". Tehran: Quran Foundation.
33. Tabatabai, Mohammad Hossein (1369). "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an". Qom: Ismailian.
34. Toraihi, Fakhreddin (1375). "Bahreen Assembly". Tehran: Mortazavi bookstore
35. Abdul Baqi, Mohammad Fouad (1369). "Al-Ma'jam and Al-Fahrs for Al-Faz Al-Qur'an Al-Karim". Tehran: Ismailian.
36. ----- (1384). "Al-Ma'jam and Al-Fahrs for Al-Faz Al-Qur'an Al-Karim", 6th edition. Qom: Islamic.
37. Ali Babaei, Gholamreza (2011). "Arash political culture". Tehran: Ashian.
38. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410). "The Book of Al-Ain". Qom: Migration.
39. Qaramleki, Ahmad (1385). "Principles and techniques of research in the field of religion". Qom: Administration Center of Qom Seminary.
40. Mashkoor, Mohammad Javad (1368). "Islamic difference culture". Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation
41. Mostafavi, Hassan) (1430). "Research on the words of the Holy Qur'an". Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
42. Moslaipour, Abbas and Ayoub Parvini (2016). "A comparative understanding of the concept of nation based on the opinions of commentators", Tafsir Studies, No. 29.
43. Motahari, Morteza (1366). "Cross services of Islam and Iran". Tehran: Sadra.
44. Najafi, Musa (1381). "The Process of Secularization of the Concept of Nation in Iran", Book Review, No. 22.
45. ----- (1392). "Foundation of political philosophy in Iran". Tehran: Institute of Contemporary History of Iran.
46. Nassar, Nassif (1992). "The concept of the nation between religion and history: a study of the meaning of the nation in the Islamic Arabic heritage". Social thought.
47. Nowrozi Khiabani, Mahdi (2007). "Comprehensive Dictionary of Political Words and Terms". Tehran: Ney Publishing.